

بررسی اثربخشی عضویت زنان در شرکت‌های تعاونی روستایی بر افزایش اشتغال و کاهش فقر در خانواده اعضاء بر اساس مدل لاجیت

رقیه رئیسی

کارشناس ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

بهاء‌الدین نجفی

استاد اقتصاد کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

پژمان باقری*

مرئی اپیدمیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی جیرفت

چکیده

هدف از مطالعه حاضر، بررسی تأثیر عضویت زنان در شرکت‌های تعاونی روستایی بر افزایش اشتغال و کاهش فقر در خانواده آن‌ها در مناطق روستایی بود. مطالعه حاضر یک مطالعه پیمایشی توصیفی است که به روش مقطعی در میان ۶۰ نفر از زنان عضو در سه شهرستان مرودشت، جهرم و داراب در جنوب استان فارس و ۶۰ نفر از زنان غیر عضو به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و با استفاده از مدل رگرسیونی لاجیت انجام شد. بر اساس نتایج آزمون نیکویی برازش و آزمون تحلیل پراکنندگی افتراق، مدل مورد استفاده معتبر بوده و عامل عضویت بخش عمده‌ای از تأثیرات ممکن را توجیه می‌کند. نتایج مدل لاجیت نیز نشان داد که احتمال افزایش اشتغال و کاهش فقر در اعضای خانواده زنی که عضو شرکت تعاونی روستایی، سرپرست خانوار، دارای مشارکت و باسواد باشد در بدبینانه‌ترین حالت به ترتیب برابر است با: ۶۸/۵٪ و ۴۳/۸۳٪. بین پاسخ‌های دو گروه عضو و غیر عضو تفاوت معناداری وجود داشت ($P < 0.001$). با توجه به اهمیت عضویت زنان در شرکت‌های تعاونی روستایی در اشتغالزایی و کاهش فقر در خانواده‌ها که از مهم‌ترین مؤلفه‌های رفاه اجتماعی به شمار می‌روند، به نظر می‌رسد باید به‌طور ویژه به توسعه این واحدها و حمایت از آن‌ها توجه شود.

واژگان کلیدی

شرکت تعاونی روستایی؛ اشتغال؛ فقر؛ رفاه اجتماعی؛ توسعه اجتماعی - اقتصادی

* نویسنده مسئول

تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۷/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۴

مقدمه و بیان مسئله

زنان نیمی از جمعیت فعال هر کشوری را تشکیل می‌دهند. این نیمه جمعیتی نه تنها موضوع و هدف هر نوع توسعه‌ای هستند، بلکه اهرم مؤثری در پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی است (گرتیت^۱، ۱۹۹۷ و واسیشت^۲، ۲۰۱۰). در حال حاضر در کشور ما بخش عمده نیروی کار بالقوه زنان، به‌خصوص نیروی کار بانوان متخصص، خارج از چرخه اقتصاد قرار دارند. به دلیل نیاز کشور به نیروهای کارآمد و لایق، سازماندهی و هدایت بانوان علاقمند و متخصص در مسیر درست و واقعی بسیار حائز اهمیت است (نجفی، ۱۳۸۲). تعاونی‌های بانوان بنا بر تعریف وزارت تعاون شامل آن دسته از تعاونی‌هاست که بیش از ۵۰ درصد اعضای آن را زنان تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب حتی تعاونی‌هایی که هفت نفر عضو دارند، چنانچه ۴ نفر از اعضای آن را بانوان تشکیل دهند جزء تعاونی‌های بانوان محسوب می‌شوند. حضور بانوان در تعاونی‌ها علاوه بر کمک به رونق اقتصادی، راهی به‌سوی استقلال فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بانوان است.

امروزه بیش از سیزده هزار شرکت تعاونی زنان در ایران در زمینه‌های مختلف تولیدی، توزیعی و مصرف آموزشی مشغول فعالیت هستند. زنان با حضور در تعاونی‌ها علاوه بر بهره‌مندی از مزایای اقتصادی، فرصت کسب تجربه در زمینه رهبری و مدیریت و همچنین شکستن حصارهای جدیدی آن‌ها از نیمه دیگر جامعه را به‌دست می‌آورند. فعالیت در گروه‌های کاری به آن‌ها کمک می‌کند تا حس خود باوری را به‌دست آورند که پیش نیاز مشارکت است. بخش تعاون می‌تواند زنان را وارد صحنه اقتصادی-اجتماعی کرده و راه را برای حضور فعال‌تر آن‌ها در جامعه باز کند. به‌علاوه از آنجا که این افراد نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند، بی‌تردید تعاونی‌های زنان بستر مناسبی است که بدور از تبعیض و با رعایت برابری اعضا و در پرتو فرهنگ مشارکت عمومی برای اشتغال شایسته زنان تشکیل شده و از طریق این تعاونی‌ها مشارکت فعال‌تر آن‌ها در فعالیت‌های توسعه اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی فراهم شده و تحقق عدالت اجتماعی سرعت می‌یابد (دفتر آمار و اطلاعات وزارت تعاون، ۱۳۸۹).

1. Grootaert
2. VASISHT

در جامعه امروز ایران، زنان نشان داده‌اند که توانایی‌ها و قابلیت‌های بالقوه فراوانی دارند و تحت شرایط مناسب می‌توانند مشارکت مؤثری در توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور داشته باشند. بر اساس گزارش‌های بانک جهانی تجارب سازمان‌های دست‌اندر کار در زمینه بهبود جایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان به‌ویژه در مناطق روستایی حاکی از آن است که مشارکت زنان روستایی در زمینه‌های اقتصادی پیش نیاز توانمندسازی و مشارکت همه جانبه آن‌ها در برنامه‌های توسعه است (رستمی، ۱۳۸۸؛ خزایی، ۱۳۷۸؛ وحیدی، ۱۳۸۱).

ایجاد زمینه‌های مناسب برای استقلال در تمامی عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی از طریق تشکیل و توسعه تعاونی‌های بانوان، تشویق و حمایت از تشکیل شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی بانوان، فراهم آوردن فرصت‌های آموزشی و ارتقاء مهارت‌های شغلی مورد نیاز زنان، حمایت از بهره‌مندی تعاونی‌های بانوان از منابع و تسهیلات مالی و رفع موانع حقوقی در دسترسی برابر به منابع مورد نیاز آن‌ها و فراهم کردن فرصت‌های عرضه تولیدات و خدمات تعاونی‌های زنان در نمایشگاه‌ها و بازارهای داخلی و خارجی تعاونی‌های بانوان از جمله اقدامات مؤثری هستند که اعتلای جامعه زنان و تشویق آن‌ها به مشارکت فعال در عرصه‌های گوناگون اقتصادی کشور از جمله تعاونی‌های بانوان را در پی دارد. همچنین بهبود وضعیت اقتصادی بانوان، بالا بردن سطح تخصص و مهارت‌های آن‌ها، فراهم آوردن امکانات فعالیت‌های جمعی و مشارکتی در قالب تعاونی، ارائه طرح‌های مناسب کار آفرین با توجه به فرهنگ و موقعیت جغرافیایی هر منطقه، تقویت هنرهای دستی و سنتی و بالا بردن کیفیت این گونه هنرها و بازاریابی برای بازارهای داخلی و بین‌المللی از جمله اهداف تأسیس تعاونی‌های زنان هستند (میوه‌چی، ۱۳۸۵). صد البته مشاوره و توسعه ارتباطات انسانی، تضمین خرید محصولات تولیدی تعاونی‌های زنان، حذف قوانین دست و پا گیر، اصلاح برخی قوانین، حمایت‌های مادی و معنوی از فعالیت‌های تعاونی زنان استان، گسترش برنامه‌های حمایت‌کننده از تعاونی‌های زنان و تخصیص وام با بهره پایین به تعاون‌گران نیز از جمله مهم‌ترین اهرم‌های تشویقی مهم برای حضور فعال زنان در این تعاونی‌ها به شما می‌روند که ذباحیان در گزارش خود به خوبی به آن‌ها اشاره کرده است (ذباحیان، ۱۳۸۴).

با توجه به آمار، بیشترین تعداد تعاونی‌های زنان متعلق به بخش صنعتی و کم‌ترین آن مربوط به معدن است (عباسی، ۱۳۸۹). تعاونی‌های زنان در حوزه صنعتی در بخش‌های

الکترونیک، صنایع داروئی، پوشاک، صنایع دستی، ریسندگی، اسباب بازی و فرش دستباف فعالیت می‌کنند. در بخش کشاورزی نیز تولید فرآورده‌های لبنی، گل و گیاه، پرورش قارچ و زنبور عسل، دامداری و دامپروری، پرورش ماهی، طیور و صنایع بسته‌بندی محصولات کشاورزی را بر عهده گرفته‌اند. همچنین در بخش خدمات، تعاونی‌های زنان بیشتر در حوزه‌های بهداشتی و درمانی، تأسیس مدارس و مراکز آموزش غیرانتفاعی، مهدهای کودک، مجتمع‌های فرهنگی و ورزشی، آموزشگاه‌های آزاد رانندگی، آموزشگاه‌های معلولین، آسایشگاه‌ها، خدمات فنی و مهندسی و ارائه خدمات رایانه‌ای فعال هستند (طاهرخانی، ۱۳۸۰). زنان با تشکیل تعاونی‌های تولیدی، در کنار کار مولد و جلوگیری از هدر رفتن سرمایه‌های کوچک، با کسب درآمد، نه تنها به خود، بلکه به معیشت خانواده هم کمک می‌کنند (توریتس، ۲۰۰۹). در واقع می‌توان بهبود وضعیت اقتصادی بانوان، بالا بردن سطح تخصص و مهارت‌های آن‌ها، فراهم آوردن امکانات فعالیت‌های جمعی و مشارکتی در قالب تعاونی، ارائه طرح‌های مناسب کار آفرین با توجه به فرهنگ و موقعیت جغرافیایی هر منطقه، تقویت هنرهای دستی و سنتی و بالا بردن کیفیت این گونه هنرها و بازاریابی برای بازارهای داخلی و بین‌المللی را از اهداف تأسیس تعاونی‌های زنان دانست (امینی و رمضان، ۱۳۷۹).

با توجه به توضیحات داده شده باید گفت از آنجا که اندازه خانوار، نسبت وابستگی و همچنین شاغل بودن سرپرست خانوار از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های فقر بشمار می‌روند. بنابراین، هرگونه اقدامی در جهت کاهش بیکاری و بار تکفل در خانواده می‌تواند تأثیر معناداری بر کاهش میزان فقر داشته باشد. این پژوهش قصد دارد تا با بررسی مقایسه‌ای فقر و اشتغال میان زنان عضو شرکت‌های تعاونی روستایی و زنان غیرعضو، به‌عنوان دو مؤلفه اثرگذار اصلی بر سلامت اقتصادی خانوارها که قطعاً بر سلامت سایر جنبه‌های زندگی خانوار نیز تأثیر می‌گذارد، به اثربخشی عضویت در تعاونی‌ها بر افزایش اشتغال و کاهش فقر در خانواده‌ی اعضا و همچنین اهمیت و نقش اقتصادی و توسعه‌ای عضویت در این تعاونی‌ها در مناطق روستایی با رویکردی اقتصادی-اجتماعی تأکید کند.

اهداف اختصاصی پژوهش عبارت بودند از:

۱. تعیین تعداد شاغلان در اعضای خانواده پس از عضویت به واسطه تسهیلات دریافت شده
۲. تعیین میزان اشتغالزایی به دلیل عضویت در تعاونی برای اعضای و خانواده آنها
۳. تعیین میزان کاهش فقر به دلیل عضویت در تعاونی
۴. تعیین میزان افزایش درآمد خانوار اعضای پس از عضویت

این پژوهش در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر بود:

۱. تعداد شاغلان در اعضای خانواده پس از عضویت به واسطه تسهیلات دریافت شده چقدر بوده است؟
۲. میزان اشتغالزایی به دلیل عضویت در تعاونی برای اعضای چقدر بوده است؟
۳. میزان کاهش فقر به دلیل عضویت در تعاونی چقدر بوده است؟
۴. میزان افزایش درآمد خانوار اعضای پس از عضویت چقدر بوده است؟

نتایج پژوهش نجفی نشان می‌دهد که بیش از ۹۶ درصد از زنان روستایی حداقل دارای یک فعالیت اقتصادی مکمل درآمد خانواده بودند، اما نوع و میزان فعالیت‌های اقتصادی آنها تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل جغرافیایی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. نتایج همچنین نشان می‌دهند که زنان روستایی فعال در اقتصاد روستا و خانواده، خود مالک عوامل تولید نیستند. به همین دلیل به رغم حضور گسترده در فعالیت‌های اقتصادی در استفاده از اعتبارات دولتی با موانع متعددی مواجه هستند. این پژوهش نشان می‌دهد که انگیزه فعالیت بیش از ۸۷٪ از زنان مورد مطالعه، نیازهای اقتصادی خانواده بوده است. این مسئله اهمیت حضور زنان خانه‌دار روستایی را در فعالیت‌های متعدد اقتصادی در جهت کمک به اقتصاد خانواده و رها کردن خانواده روستایی از فقر مطلق نشان می‌دهد (نجفی، ۱۳۸۳).

فوگلستروم^۱ در مطالعه خود به بررسی برنامه ده ساله توسعه تعاونی‌ها در ایالت کلرادو اقدام کرد. نتایج حاصل از پژوهش‌های ایشان نشان داد که در طی این دوره در ایالت کلرادو

تعاونی‌ها رشد و توسعه مناسبی داشتند و در افزایش درآمد اعضا و اشتغال‌زایی نیز بسیار موفق عمل کرده‌اند. در طی این دوره تعداد اعضا حدود سه برابر و سرانه آن‌ها نیز ۱/۶٪ افزایش داشته است. همچنین اشتغال‌زایی تعاونی‌ها نیز ۴/۵٪ رشد کرده است. در بخش کشاورزی تعاونی‌ها حدود ۴/۴٪ افزایش در اشتغال ایجاد کرده و سالانه رشد اقتصادی ۱۵/۴ میلیون دلاری داشته‌اند (فوگلستروم، ۲۰۰۴).

نتایج پژوهش شوشتریان نیز نشان داد که عضویت در تعاونی‌های روستایی احتمال فقر خانوارها را کاهش می‌دهد؛ همچنین مشخص شده خانوارهایی که حداقل یکی از اعضا آن‌ها در تعاونی روستایی زنان عضویت دارد، نسبت به سایر خانوارها با احتمال کم‌تری در گروه فقرا قرار خواهند گرفت. توسعه و تقویت نهادهایی چون تعاونی‌ها و گسترش آن‌ها در سطح اعضای خانواده می‌تواند به‌عنوان یکی از راهکارهای کاهش فقر روستایی مورد مطالعه بیشتر قرار گیرد (شوشتریان، ۱۳۸۶).

چارچوب نظری مدل

اشتغال زنان از نظر جامعه‌شناسی خانواده، معلول علل گوناگونی است. مطالعات انجام شده در کشورهای صنعتی از تنوع علل حکایت دارد. در کشور فرانسه ۹۵ درصد زنان برای ترفیه اقتصادی و ۶۶ درصد برای امکان‌پذیر کردن ادامه تحصیل فرزندان خود کار می‌کنند و علاقه به نقش کار، تنها انگیزه ۴۰ درصد آن‌ها در امر اشتغال است. اشتغال زنان در طبقات پایین، متوسط و بالای جامعه، علل جداگانه دارد که خود از تفاوت فرهنگ اشتغال در بین گروه‌های متمایز اجتماعی حکایت می‌کند. در طبقه پایین اجتماع نیاز اقتصادی است و در طبقه متوسط، زن با کار شکوفایی حاصل می‌کند (کارشناس، ۱۳۷۶).

مسئله اشتغال زنان اثرات اقتصادی مختلفی در فرایند رشد و توسعه دارد (علیزاده، ۱۳۸۹). اشتغال زنان به کارهای غیر خانگی از بار تکفل می‌کاهد و هر چه بار تکفل کم‌تر باشد، درآمد سرانه بیشتر می‌شود و یکی از شاخص‌های توسعه، میزان بار تکفل است. همچنین افزایش اشتغال زنان، کاهش باروری و در نتیجه کاهش رشد جمعیت را به همراه دارد و درآمد سرانه را بالا می‌برد که موجب رشد و توسعه می‌شود. از طرفی دیگر در سطح روستاها هر چه آموزش بیشتر باشد و تجزیه شغلی افزایش یابد و زنان همراه با مردان در استفاده از تکنولوژی‌های جدید

مربوط به کشاورزی و صنایع دستی، آموزش‌های لازم را ببینند، باعث رشد اقتصادی کشور خواهند شد (امینی‌زاده، ۱۳۸۴). امروزه نرخ مشارکت زنان روندی فزاینده داشته است و از مهم‌ترین دلایل این افزایش را می‌توان در افزایش سطح تحصیلات زنان عنوان کرد. علاوه بر این عامل، افزایش سطح تحصیلات اغلب موجب بالا رفتن سن ازدواج و کاهش نرخ زاد و ولد شده که این موارد مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی را تشدید کرده است و با توجه به این موارد پیش‌بینی می‌شود که در سال‌های آینده نرخ مشارکت زنان و عرضه کار آن‌ها همچنان از روندی فزاینده بهره‌مند شود؛ که این امر باعث رشد توسعه اقتصادی کشور می‌شود (الوانی و ضرغامی فرد، ۱۳۸۰). به هر حال اشتغال معلول افزایش تحصیلات است و هر چه زنان، تحصیلات عالی و تخصص داشته باشند و تخصص‌های لازم برای کسب مشاغل بالاتر را کسب کنند، شرایط بهتری در اقتصاد کشور ما ایجاد خواهد شد (امینی‌زاده، ۱۳۸۴).

در سنجش میزان رشد اقتصادی، بر جنبه‌های کمی اقتصادی به‌ویژه تغییرات شاخص‌هایی چون تولید ناخالص داخلی، وضعیت سرمایه‌گذاری و در آمد سرانه تأکید می‌شود. این گونه شاخص‌ها در افزایش توان هزینه کردن فرد به‌منظور نیل به توسعه اقتصادی اجتماعی چه در سطح خرد و چه در سطح کلان نقش اساسی ایفا می‌کنند. به‌طور کلی افزایش تولید ناخالص داخلی و افزایش سرمایه‌گذاری تأثیر مثبتی در اشتغال نیروی کار زنان دارد. به‌عبارت دیگر با رشد تولید ناخالص داخلی و ایجاد ظرفیت‌های جدید اقتصادی فرصت‌های شغلی بیشتری برای زنان ایجاد می‌شود. از اینرو اجرای سیاست‌هایی که به افزایش تولید ناخالص داخلی و به تبع آن افزایش میزان اشتغال زنان منجر می‌شود از الزامات افزایش اشتغال زنان است. از طرفی ایجاد زمینه‌های جذب سرمایه و افزایش سرمایه‌گذاری موجب گسترش بخش‌های مختلف اقتصادی و افزایش تولید و اشتغال مولد به‌طور عام و برای زنان به‌طور خاص می‌شود (صادقی و عمادزاده، ۱۳۸۳). بنابراین، اشتغال زنان و رونق اقتصادی به نوعی لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

روش پژوهش

مطالعه حاضر یک مطالعه پیمایشی توصیفی است که به روش مقطعی در میان ۶۰ نفر از زنان عضو تعاونی‌های روستایی زنان در سه شهرستان مرودشت، جهرم و داراب و ۶۰ نفر از

زنان غیر عضو انجام شد. در این مطالعه با مراجعه به تعاونی زنان در نمونه‌ای تصادفی از روستاهای هر یک از این سه شهرستان، به صورت تصادفی به انتخاب ۶۰ نفر از سهام‌داران که مجموعاً از هر شهرستان ۲۰ نفر شرکت داشتند و همچنین ۶۰ نفر از زنان غیر عضو به عنوان گروه کنترل اقدام شده و سپس چک لیست مورد نظری که حاوی اطلاعاتی در زمینه عضویت، سابقه اشتغال، درآمد خانوار، فقر و اطلاعات جمعیت‌شناختی بود، برای هر نفر به صورت حضوری و چهره به چهره تکمیل شد. متغیرهای وابسته اصلی مورد استفاده در این مطالعه متغیرهای اشتغال و کاهش فقر بودند که تحت تأثیر عضویت زنان در تعاونی‌ها به عنوان متغیر مستقل قرار داشتند. در حقیقت در این مطالعه تلاش می‌شود تا با استفاده از روش‌های مختلف آماری، کرائی و اثربخشی عضویت در تعاونی‌های روستایی به عنوان عاملی برای اشتغال‌زایی و کاهش فقر (که به نوعی معلول اشتغال‌زایی است) تعیین شود. متغیرهای سن، سابقه اشتغال به سال، سابقه عضویت در تعاونی به سال، میزان تحصیلات، شهرستان محل مطالعه از مهم‌ترین متغیرهای احتمالی اثرگذار در این مطالعه به شمار رفته‌اند. برای دستیابی به اهداف اختصاصی مطالعه و اثبات تغییرات متغیرهای وابسته و مستقل به موازات یکدیگر، ابتدا با استفاده از روش‌های آماری توصیفی از قبیل شاخص‌های مرکزی و پراکندگی مانند میانگین و واریانس و انحراف معیار به تشریح وضعیت هر شهرستان و مقایسه آن‌ها اقدام شد. در ادامه با استفاده از مدل رگرسیونی لاجیت، متغیرهای اثرگذار بر متغیرهای وابسته تعیین شد. در این مدل متغیرهای وابسته ما اشتغال‌زایی و کاهش فقر و متغیر مستقل، عضویت در تعاونی‌ها و متغیرهای زمینه‌ای اصلی سن، تحصیلات، سابقه اشتغال و عضویت بوده‌اند. وضعیت مطلوب یا نامطلوب بودن اشتغال، بر اساس پاسخدهی به دو سؤال «تعداد شاغلان در اعضای خانواده پس از عضویت به واسطه تسهیلات دریافت شده چقدر بوده است؟» و «میزان اشتغال‌زایی به دلیل عضویت در تعاونی برای اعضاء چقدر بوده است؟» و وضعیت وجود فقر در خانواده را بر اساس پاسخدهی به دو سؤال «میزان کاهش فقر به دلیل عضویت در تعاونی چقدر بوده است؟» و «میزان افزایش درآمد خانوار اعضاء پس از عضویت چقدر بوده است؟» تعیین شد. در این پژوهش، حجم نمونه بر اساس رجوع به مطالعات مشابه قبلی و با استفاده از فرمول حجم نمونه برای مقایسه میانگین دو جامعه با در نظر گرفتن ضریب اطمینان ۹۵ درصدی و

سطح آلفای ۰/۰۵ و توان آماری ۰/۸۰٪ در مجموع ۱۲۰ نفر تعیین شد. همان‌طور که اشاره شد جامعه آماری در این مطالعه، کلیه زنان عضو شرکت‌های تعاونی روستایی و روستاهای منتخب بودند. بر اساس حداقل حجم ۱۲۰ نفر مقرر شد از هر شهرستان تعداد ۴۰ نفر مشتمل بر ۲۰ نفر عضو و ۲۰ نفر غیرعضو انتخاب شود. برای انتخاب مناطق روستایی در ابتدا به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای^۱ ۵ روستا که بهره‌مند از شرکت تعاونی روستایی بودند، از هر شهرستان انتخاب شد و سپس به شرکت‌های تعاونی موجود در این روستاها مراجعه و به روش انتخاب تصادفی و قرعه‌کشی تعداد ۲۰ نفر از اعضا و تعداد ۲۰ نفر از زنان غیر عضو همان روستا (یعنی در هر روستا ۴ نفر عضو و ۴ نفر غیرعضو) نیز به‌عنوان گروه کنترل انتخاب شدند.

ابزار پژوهشی در این مطالعه چک لیستی است که ۱۷ سؤال دارد. در این چک لیست سؤالاتی دربارهٔ مختصات سهام‌داران (سن، شهرستان، روستا، سابقه اشتغال و سابقه عضویت)، تحصیلات، تعداد افراد خانوار، سرپرست خانوار بودن، شاغل بودن اعضای خانواده قبل از عضویت نمونه‌ها در تعاونی، تعداد شاغلان در اعضای خانواده بعد از عضویت نمونه‌ها در تعاونی به واسطه اخذ تسهیلات، میزان اشتغالزایی در بین اعضای پس از عضویت در تعاونی، ارائه خدمات ترویجی از طرف شرکت تاکنون، میزان اثر مهم‌ترین عوامل اشتغال‌زا (عضویت در تعاونی، اخذ وام، خرید محصولات تولیدی اعضای توسط شرکت، میزان سرمایه شرکت و عوامل دیگر)، اثرگذاری فعالیت مستمر اعضای بر روند توسعه شرکت، اثرگذاری مشکلات سهام‌داران بر نحوه مدیریت و ارائه خدمات شرکت، میزان کاهش فقر به دلیل عضویت در تعاونی. در تعریف فقر نظرات متعددی ارائه شده است، پیگو و پیروانش فقر را وضعیتی می‌دانند که خانوار از یک سطح رفاه حداقل بهره‌مند باشد (خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۱). برای تعیین خط فقر از ملاک خط فقر نسبی استفاده شد؛ خط فقر نسبی^۲ به صورت درصد مشخصی از درآمد یا میانگین درآمد جامعه یا به شکل یک مرز درآمدی تعریف می‌شود که درصد معینی از افراد جامعه پایین‌تر از آن قرار می‌گیرند. یکی از روش‌های محاسبه خط فقر نسبی استفاده از نصف میانه یا میانگین کل هزینه خانوارهای نمونه است (خالدی، ۱۳۸۷). در این مطالعه نیز با

1. Multi-Stage Cluster Sampling
2. Relative poverty line

محاسبه میانگین کل هزینه‌های خانوارهای نمونه، درصد فقر مشخص و تعیین شد. تعیین مهم‌ترین عوامل کاهش فقر، میزان افزایش درآمد خانوار پس از عضویت در تعاونی، تأثیر کلاس‌های ترویجی در افزایش درآمد خانوار، تأثیر عوامل اختصاصی مدیریت بر پیشرفت شرکت تعاونی و در پایان پیشنهادهای برای بهبود وضعیت شرکت تعاونی را در بر گرفته است. این چک لیست بر اساس نظرات چند نفر از اساتید محترم گروه به صورت پانل خبرگان و همچنین مطالعه منابع مرتبط از جمله کتب و مقالات مشابه و جمع‌بندی تم‌های حاصله طراحی و پس از تأیید آن‌ها استفاده شد.

روش تجزیه و تحلیل

مدل لاجیت:

این مدل در تحقیقات کاربردی بسیار شناخته شده و عمومی است. شکل کلی آن عبارت است از:

$$E(y_i) = \frac{1}{[1 + e^{\alpha + \beta \times i}]} \quad \text{یا} \quad i = 1, \dots, n$$

$$= \frac{e^{\alpha + \beta y_i}}{[1 + e^{\alpha + \beta \times i}]}$$

که در آن $E(y_i) = p$ می‌باشد. برای سادگی با قرار دادن $E(y_i) = p$ و وصل آن برای $\alpha + \beta \times i$ رابطه زیر به دست می‌آید.

$$L_n\left(\frac{p_i}{1-p_i}\right) = \alpha + \beta \times i$$

جایی دیگر L_n نشانه لگاریتم بر پایه عدد نپرین و $p_i/(1-p_i)$ نسبت به افراد با

$y_i=1$ در برابر $y_i=0$ است.

مدل لاجیت دارای دو ویژگی شایان ذکر به صورت زیر است.
اول - نشان دهنده اثر یک تغییر در X روی احتمال $Y = 1$ باشد، این چنین است:

$$\frac{\delta p_i}{\delta x_i} = \frac{\delta p_i}{\delta \ln p_i(1-p_i)} \times \frac{\delta \ln p_i(1-p_i)}{\delta x_i} = \beta p_i(1-p_i)$$

دوم - اگر منحنی لاجیت به عنوان یک تابع احتمال تجمعی z_i مد نظر قرار گیرد چنانچه:

$$P(z_i \leq \alpha + \beta x_i) = \frac{1}{1 + e^{p(-\alpha - \beta x_i)}}$$

آنگاه تابع چگالی احتمال z_i و نمودار این تابع عبارت است از:

1. Gramen, J. s (2003, 2 - 18)

$$q(z_i) = \frac{e \times p(z_i)}{[1 + e \times p(z_i)]^2}$$

که با مشتق‌گیری از $f(z)$ به راحتی به دست می‌آید. این تابع به عنوان توزیع لاجیتیک معروف است. در مدل لاجیت برای متغیرهای وابسته دو سطح تعریف شده و پیش فرض‌های غیر نرمال بودن توزیع، ناهمگونی پراکنش واریانس‌های توزیع‌ها، عدم احتمال وجود Y بین صفر و یک و مشکوک بودن مقدار R^2 به عنوان معیاری برای نیکویی برازش نیز قبل از تحلیل‌های اصلی بررسی شده‌اند. در این پژوهش فرآیند تحلیل لگاریتم خطی لوجیت به تحلیل رابطه بین یک یا چند متغیر وابسته و چند متغیر مستقل به شرحی که در پاراگراف قبلی آمده، اقدام می‌کند. در این تحلیل متغیرهای وابسته همواره طبقه‌ای بوده حال آنکه متغیرهای مستقل می‌توانند طبقه‌ای باشند یا نباشند. مدل لوجیت همانند مدل‌های لگاریتم خطی و پرابیت نوع خاصی از مدل‌های خطی عمومی^۱ است (GLM که شامل رگرسیون و مدل‌های ANOVA می‌شود) که برای عملکرد بهتر بر روی متغیرهای دو بخشی و طبقه‌ای ارائه شده‌اند (مازینگیرا، ۱۹۹۷). برای تعیین مقدار احتمال وقوع متغیر وابسته بر اساس متغیرهای مستقل، پس از تعیین

1. general linear models

2. Madzingira

مقادیر پیش بینی شده برای هر یک از انواع مدل‌های موجود در آزمون Parameter Estimates، هر یک از مقادیر برآورد شده برای حالات مورد نظر در تابع ارائه شده در بخش Model and Design Information قرار داده می‌شود و عدد حاصل (X) در فرمول (e^x) قرار داده می‌شود تا شانس وقوع متغیر وابسته (X) به عدم وقوع آن به دست آید. سپس احتمال وقوع این حالت نیز برابر است با مقدار (X) تقسیم بر مقدار (1+X). نتیجه هر چه بود بیان‌کننده بخت وقوع متغیر وابسته در آن شرایط است.

ساختار مدل لاجیت مورد استفاده در مطالعه حاضر را می‌توان به صورت رابطه زیر نمایش داد:

$$Z_i^* = \alpha + \sum_{j=1}^n \beta_j X_{ji} + U_i$$

که در آن Z_i^* نشان‌دهنده نگرش سهام‌داران در خصوص فقر و اشتغال است. بر اساس رابطه فوق مجموعه‌ای از عوامل مختلف شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی و فردی بر نگرش سهام‌داران نسبت به فقر و اشتغال مؤثر است. از این رو متغیر دیگری (Z_i) تعریف می‌شود که از مقادیر صفر و یک تشکیل شده باشد.

در الگوی فقر، اگر $Z_i^* > 0$ باشد، متغیر Z_i دارای مقدار یک و در غیر این صورت دارای مقدار صفر است. به عبارت دیگر مقدار صفر متغیر مذکور ($Z_i = 0$) برای سهام‌دارانی است که وجود تعاونی را موجب کاهش فقر خانوار نمی‌دانستند. همچنین اگر سهام‌داران، وجود تعاونی را موجب کاهش فقر خانوار می‌دانستند متغیر فوق مقدار یک ($Z_i = 1$) را به خود می‌گیرد.

در رابطه فوق، X_{ji} شامل مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فردی مؤثر بر فقر توسط سهام‌دار نام است. این عوامل شامل سن (X_1)، استفاده از خدمات ترویجی (X_2)، سابقه عضویت در تعاونی (X_3)، تعداد اعضای خانوار (X_4) و عضویت در تعاونی زنان (X_5) است. α و β نیز پارامترهای الگو و U_i جمله اخلاص الگو است. همچنین متغیرهای مستقل مورد استفاده در تخمین الگوی اشتغال نیز همانند الگوی فقر است. اما متغیر وابسته در الگوی اشتغال به صورت صفر و یک بوده و اگر $Z_i^* > 0$ باشد، متغیر Z_i دارای مقدار یک و

در غیر این صورت دارای مقدار صفر است. به عبارت دیگر مقدار یک متغیر مذکور ($Z_i = 1$) برای سهام‌دارانی است که از طریق تعاونی حداقل یکی از اعضاء خانوار آن‌ها شاغل شده‌اند. در مقابل مقدار صفر آن ($Z_i = 0$) برای سهام‌دارانی است که تعاونی هیچ تأثیری بر اشتغال خانوار آن‌ها نداشته است.

در بخش مقایسه سه شهرستان به تناسب نیاز و نوع متغیرها از آزمون‌های CHI-T-TEST، SQURE و ONE WAY-ANOVA استفاده شد. در کلیه این آزمون‌ها سطح معناداری یا آلفا ۰/۰۵ و میزان خطا برای تعیین حجم نمونه اولیه ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است. شایان ذکر است که نرم افزار مورد استفاده در این مطالعه، نرم افزار eviews ورژن ۷ بوده است.

یافته‌های پژوهشی

در این مطالعه مجموعاً ۱۲۰ نفر از زنان سهام‌دار در شرکت تعاونی‌های روستایی زنان مشتمل بر ۲۰ نفر عضو و ۲۰ نفر غیرعضو در شهرستان‌های جهرم (میانگین سنی در زنان عضو $29/5 \pm 3/26$ و در زنان غیرعضو $31/24 \pm 1/73$)، داراب (میانگین سنی در زنان عضو $32/3 \pm 1/41$ و در زنان غیرعضو $30/25 \pm 0/97$) و مرودشت (میانگین سنی در زنان عضو $37 \pm 3/78$ و در زنان غیرعضو $32/3 \pm 2/2$) (از هر شهرستان ۲۰ نفر) شرکت داشتند. میانگین سنی نمونه‌های غیرعضو در هر سه شهرستان به‌طور معناداری بالاتر از زنان عضو و سهام‌دار بوده است ($P=0,0001$). میانگین سابقه اشتغال در شهرستان جهرم در زنان عضو برابر $3/5 \pm 3/25$ و در زنان غیرعضو برابر $1/6 \pm 3/11$ ، در شهرستان داراب در زنان عضو برابر $2/67 \pm 2/48$ و در زنان غیرعضو برابر $1/34 \pm 1/93$ و در شهرستان مرودشت در زنان عضو برابر $4/34 \pm 1/05$ و در زنان غیرعضو برابر $2/33 \pm 0/76$ بوده است. بیشترین میانگین سابقه اشتغال در هر دو گروه مربوط به شهرستان مرودشت بوده است. تفاوت‌های میان دو گروه نیز در همه شهرستان‌ها معنادار بوده است ($P=0,0001$). به لحاظ سطح تحصیلات در مجموع افراد شرکت کننده در این بررسی، ۵۴ نفر بیسواد (۴۵٪) و ۶۶ نفر باسواد (۵۵٪) شرکت داشته‌اند. ۸۰ نفر از کل نمونه‌ها (۶۶/۶۶٪) سرپرست خانوار و ۴۰ نفر (۳۳/۴٪) سرپرست نبوده‌اند.

بر اساس تحلیل‌ها در شهرستان داراب در میان زنان عضو شرکت تعاونی، ۷ نفر بیان کردند که قبل از عضویت در تعاونی اعضای خانواده آن‌ها شاغل بوده و ۱۳ نفر اظهار داشتند که

اعضای خانواده آنها قبل از عضویت شاغل نبوده‌اند ($p < 0/05$). همچنین در شهرستان مرودشت ۵ نفر اظهار داشته‌اند که اعضای خانواده آنها قبل از عضویت آنها در تعاونی شاغل بوده و ۱۵ نفر بیان داشتند اعضای خانواده آنها شاغل نبوده‌اند ($p < 0/05$). به همین شکل در شهرستان جهرم نیز به ترتیب ۹ نفر و ۱۱ نفر بیان کرده‌اند که اعضای خانواده آنها قبل از عضویت آنها در تعاونی به ترتیب شاغل بوده و نبوده‌اند ($p < 0/05$). تعداد افراد شاغل موجود در خانواده افرادی که پاسخ مثبت به این سؤال داده بودند، مجموعاً ۵۶ نفر بوده است. در مجموع اکثر زنان سهام‌دار در سه شهرستان اعلام کردند که بعد از عضویت آنها در تعاونی بین ۱-۲ نفر از اعضای خانواده آنها به واسطه تسهیلاتی که از تعاونی دریافت کرده‌اند شاغل شده‌اند که این تعداد در شهرستان مرودشت بالاتر از سایر شهرستان‌های مورد مطالعه بوده است.

اکثر نمونه‌های عضو شرکت‌های تعاونی در هر سه شهرستان سرپرست خانوار بودند در حالیکه در زنان غیر عضو اکثر نمونه‌ها سرپرست نبودند و این تفاوت به لحاظ آماری معنادار بوده است ($P = 0,001$). در میان زنان سهام‌دار شرکت تعاونی، اکثر نمونه‌ها اعلام کردند که قبل از عضویت در تعاونی هیچ‌کدام از اعضای خانواده آنها شاغل نبوده‌اند که البته، اختلاف بین دو گروه از این نظر معنادار بود ($P = 0,015$). اما بعد از عضویت در تعاونی بر اساس پاسخ نمونه‌ها مشخص می‌شود که روند اشتغال در میان اعضای خانوارهای نمونه‌های عضو شرکت تعاونی در هر سه شهرستان افزایش یافته است. اختلاف روند این افزایش در میان خانوارهای نمونه‌های هر سه شهرستان هیچ اختلاف معناداری با یکدیگر نداشت و روند افزایش در هر سه شهرستان یکسان بوده است ($P = 0,09$). از طرف دیگر بخش عمده‌ای از نمونه‌های سهام‌دار شهرستان‌ها در پاسخ به سؤالی که درباره میزان اشتغال‌زایی در میان اعضاء بعد از عضویت در تعاونی بود اعلام کردند که عضویت در تعاونی میزان اشتغال‌زایی را به مقدار زیادی افزایش داده است و از آنجایی که تقریباً همگی گزینه‌های زیاد و متوسط را انتخاب کرده بودند اختلاف پاسخ بین گروه‌ها در شهرستان‌ها معنادار نبود ($P = 0,34$). در میان علل اصلی اشتغال از دیدگاه شرکت‌کنندگان، روی هم رفته به ترتیب مهم‌ترین عوامل عبارت بودند از خرید محصولات تولیدی اعضاء توسط شرکت، اخذ وام، میزان سرمایه شرکت، عضویت در تعاونی و علل دیگر. تقریباً وضعیت امتیازدهی به میزان اثرات این عوامل بر اشتغال‌زایی در میان شرکت‌کنندگان سه

شهرستان یکسان بوده است؛ کما اینکه نتایج آزمون کای دو نیز نشان می‌دهد اختلاف معناداری بین این امتیازات در سه گروه وجود ندارد ($P < 0.05$). از نظر آن‌ها عامل‌های اختصاصی مدیریتی از جمله سطح تحصیلات، تجربیات، مهارت و خلاقیت مدیرعامل تأثیر بسیاری در پیشرفت شرکت تعاونی دارد ($P = 0.06$)؛ نمونه‌ها همچنین میزان تأثیر شرکت در کلاس‌های ترویجی را بر افزایش درآمد خانوارها در هر سه شهرستان متوسط ارزیابی کرده‌اند ($P = 0.65$). و در نهایت اینکه کلیه نمونه‌های شرکت کننده در هر سه شهرستان مجموع عوامل اعطای وام بیشتر، ارائه خدمات بهتر و کلاس‌های آموزشی را به‌عنوان پیشنهادی برای بهبود وضعیت شرکت‌های تعاونی ذکر کرده‌اند ($P = 0.22$). همان‌طور که مشاهده می‌شود تقریباً در مورد همه سؤالات پراکندگی بین پاسخ‌های نمونه‌ها معنادار نبوده و همگی بالاتفاق بر موضوعات نسبتاً یکسانی تأکید داشته‌اند که به نظر می‌رسد این موضوع نشان از اهمیت و اصالت پاسخ‌ها داشته باشد. مقایسه میزان عملکردهای فعالیت‌های شرکت تعاونی در زنان عضو بین سه شهرستان در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: مقایسه میزان عملکردهای فعالیت‌های شرکت تعاونی در زنان عضو بین سه شهرستان

P-VALUE	داراب %	چهرم %	مرودشت %	مشخصات
۰/۱۳	۷۰	۸۰	۹۰	استفاده از خدمات ترویجی مرتبط با نوع فعالیت از طرف شرکت تعاونی
۰/۳۹	۱۰۰	۸۸	۹۴	اثرگذاری فعالیت مستمر در تعاونی، فروش نهاده‌های تولیدی و غیره بر روند توسعه شرکت
۰/۶۴	۷۸/۹۴	۷۷/۸	۶۶/۷	اثرگذاری نحوه مدیریت و ارائه خدمات شرکت‌های تعاونی بر مشکلات سهام‌داران
۰/۰۶	۵۸	۴۰	۸۴	کاهش فقر در خانواده‌های اعضاء به دلیل عضویت
۰/۵۲	۵۷	۶۸	۶۱	برشمردن تسهیلات اعطایی از سوی شرکت تعاونی به‌عنوان مهم‌ترین عامل کاهش فقر
۰/۱۶	۴۰	۴۰	۴۰	برشمردن عضویت در تعاونی به‌عنوان عامل افزایش درآمد خانوار

برای بررسی تأثیر عضویت در تعاونی بر اشتغال می‌توان الگوهای لاجیت و پروبیت را به‌کار برد. برای این منظور ابتدا سهام‌داران به دو گروه تقسیم شدند. گروه اول شامل

سهام‌دارانی هستند که از طریق تعاونی حداقل یکی از اعضاء خانوار آن‌ها شاغل شده‌اند. گروه دوم نیز سهام‌دارانی هستند که تعاونی هیچ تأثیری بر اشتغال خانوار آن‌ها نداشته است. بر این اساس متغیر وابسته مدل صفر یک بوده که برای گروه اول مقدار یک و گروه دوم مقدار صفر را به خود می‌گیرد.

اما به منظور انتخاب یکی از مدل‌های یاد شده پس از برآورد الگو بر اساس هر دو مدل لاجیت و پروبیت پیشنهاد می‌شود با توجه به حداکثر مقدار تابع لگاریتم راست‌نمایی^۱، الگوی بهینه انتخاب شود (پسران و شین^۲، ۱۹۹۶). نتایج شاخص‌های تشخیص الگوهای لاجیت و پروبیت شامل حداکثر مقدار تابع لگاریتم راست‌نمایی، معیار سودمندی برازش، معیار آکائیک^۳ و شوارتزبیزین^۴ در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲: شاخص‌های تشخیص مدل بهینه

مدل لوجیت	مدل پروبیت
شاخص	شاخص
مقدار	مقدار
حداکثر مقدار تابع لگاریتم راست‌نمایی	حداکثر مقدار تابع لگاریتم راست‌نمایی
۷۶/۳۵-	۷۶/۳۶-
معیار سودمندی برازش	معیار سودمندی برازش
۵/۶۳۳	۵/۶۲۵
معیار آکائیک	معیار آکائیک
۸۷/۳۵-	۸۳/۳۵-
معیار شوارتز بیزین	معیار شوارتز بیزین
۹۳/۱۱-	۹۳/۱۱-

مأخذ: یافته‌های پژوهش

معیار تشخیص الگوی بهینه از میان مدل‌های لاجیت و پروبیت، مدلی است که دارای بیشترین مقدار تابع لگاریتم راست‌نمایی (پسران و پسران، ۱۹۹۷). لذا بر اساس اطلاعات آورده شده در جدول ۲ می‌بایست از مدل لوجیت به منظور بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال سهام‌داران

1. Maximized Value of The Log-Likelihood Function
2. Pesaran & Shin
3. Akaike Information Criterion
4. Schwartz Bayesian Criterion

تعاونی زنان بهره گرفت. چرا که حداکثر مقدار تابع لگاریتم راست‌نمایی مدل لوجیت (۷۶/۳۵-) بزرگ‌تر از مدل پروبیت (۷۶/۳۶-) است. معیار سودمندی برازش نیز بر استفاده از مدل لوجیت تأکید دارد، اما سایر شاخص‌های از جمله، معیارهای آکائیک و شوارتز بی‌زین برتری در انتخاب مدل لوجیت و پروبیت قائل نمی‌شوند. در جدول ۳ نتایج تفصیلی برآورد الگوی لوجیت به روش حداکثر راست‌نمایی^۱ با استفاده از بسته نرم افزاری میکروفیت^۲ آورده شده است.

جدول ۳: عوامل مؤثر بر ایجاد اشتغال با استفاده از مدل لوجیت

متغیر	ضریب	خطای معیار	آماره ^t	اثر نهایی
C	عرض از مبدا	۱/۲۵	-۰/۴۸۶	-----
X_1	تحصیلات (سال)	۰/۱۷۶	۰/۰۶۹	۰/۰۰۲۹
X_2	سن (سال)	۰/۰۲۲	۰/۱۸۶	۰/۹۸۸
X_3	استفاده از خدمات ترویجی	۰/۹۲۰	۱/۰۹	۰/۲۴۸
X_4	سابقه عضویت در تعاونی	۰/۱۸۹	۱/۶۱	۰/۰۷۵
X_5	تعداد اعضاء خانوار	۰/۰۹۶	۲/۴۷۷	۰/۰۵۹
X_6	عضویت در تعاونی زنان	۱/۲۸۷ ^{ns}	۰/۵۶۲	۰/۳۱۸
ضریب اثر نهایی: ۰/۲۴۷ سودمندی برازش: ۰/۶۳				
***، **، * به ترتیب معناداری در سطح ۱، ۵، ۱۰ و درصد ns: فقدان معناداری				

نتایج ارائه شده در جدول ۳ حاکی از آن است ضریب تحصیلات مثبت است. بدین مفهوم که با افزایش سطح سواد، اشتغال سهام‌داران افزایش می‌یابد. اما این ضریب از نظر آماری

1. Maximum Likelihood Estimation

2. Microfit 4.1

معنادار نیست. ضریب سن سهام دار نیز مطابق انتظار مثبت به دست آمده و حاکی از آن است که با افزایش سن احتمال اشتغال سهامدار افزایش می‌یابد، اما ضریب سن سهامدار نیز از نظر آماری معنادار نیست. ضریب خدمات ترویجی نیز مثبت بوده و نشان‌دهنده ارتباط مثبت بین خدمات ترویجی و اشتغال سهامداران تعاونی است. با این حال این ضریب نیز از نظر آماری معنادار نیست.

علامت ضریب سابقه عضویت در تعاونی مطابق انتظار و مثبت بوده و از لحاظ آماری نیز معناداری است. به بیانی دیگر در صورت افزایش سابقه عضویت، احتمال استفاده اشتغال سهامدار نیز افزایش می‌یابد. تعداد اعضاء خانوار نیز ضریبی مثبت و معنادار دارد و نشان‌دهنده ارتباط مستقیم میان تعداد افراد خانوار و میزان اشتغال است. عضویت در تعاونی نیز ضریبی مثبت دارد. بدین مفهوم که با عضویت در تعاونی اشتغال سهامداران نیز افزایش می‌یابد، اما این ضریب از نظر آماری معنادار نیست.

با توجه به اینکه ضریب اثر نهایی مدل برابر با $0/247$ است، با ضرب کردن این مقدار در ضرایب به دست آمده می‌توان اثر نهایی متغیرهای مدل و به عبارت دیگر احتمال کسب پذیرای را تعیین کرد. بر این اساس اثر نهایی متغیرهای فوق محاسبه شد که نتایج آن در ستون آخر جدول ۳ آورده شده است.

اطلاعات ارائه شده نشان‌دهنده آن است که با افزایش یک واحد در سابقه عضویت تعاونی زنان، احتمال اشتغال نیز $0/075$ درصد افزایش می‌یابد. همچنین با افزایش یک واحد در تعداد افراد خانواده، احتمال اشتغال نیز $0/059$ افزایش می‌یابد. با این حال عضویت در تعاونی تأثیری بر اشتغال سهامداران نداشته است.

برای بررسی عوامل مؤثر بر فقر نیز می‌توان الگوهای لوجیت و پروبیت را به کار برد، به این منظور پاسخ‌دهندگان به دو گروه تقسیم شدند. گروه اول شامل سهام‌دارانی بودند که وجود تعاونی را موجب کاهش فقر خانوار می‌دانستند (متغیر وابسته یک) و گروه دوم نیز سهام‌دارانی را شامل می‌شود که اعتقاد دارند تعاونی تأثیری بر کاهش فقر خانوارها ندارد (متغیر وابسته صفر).

اما به منظور انتخاب یکی از مدل‌های یاد شده، پس از برآورد الگو بر اساس هر دو مدل لاجیت و پروبیت، بر اساس شاخص‌های تشخیص شامل حداکثر مقدار تابع لگاریتم

راست‌نمایی، معیار سودمندی برآزش، معیار آکائیک و شوارتزبیزین، مدل بهینه انتخاب شد. که نتایج آن در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴: شاخص‌های تشخیص مدل بهینه

مدل پروبیت		مدل لوجیت	
مقدار	شاخص	مقدار	شاخص
-۴۲/۷۷	حداکثر مقدار تابع لگاریتم راستنمایی	-۴۲/۷۳	حداکثر مقدار تابع لگاریتم راستنمایی
۰/۸۵۹	معیار سودمندی برآزش	۰/۸۵۹	معیار سودمندی برآزش
-۴۹/۷۷	معیار آکائیک	-۴۹/۷۳	معیار آکائیک
-۵۹/۳۴	معیار شوارتزبیزین	-۵۹/۳۱	معیار شوارتزبیزین

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بر اساس اطلاعات آورده شده در جدول ۴ می‌بایست از مدل لوجیت به‌منظور بررسی عوامل مؤثر بر فقر سهام‌داران تعاونی زنان استفاده کرد. زیرا که حداکثر مقدار تابع لگاریتم راست‌نمایی مدل لوجیت (-۴۲/۳۳) بزرگ‌تر از مدل پروبیت (-۴۲/۷۷) است. سایر شاخص‌های مدل لوجیت نیز حاکی از برتری آن، در مقایسه با مدل پروبیت هستند. از جمله، معیارهای آکائیک و شوارتزبیزین مدل لوجیت، بیشتر از معیارهای ذکر شده برای مدل پروبیت هستند. هر چند، سودمندی برآزش هر دو مدل برابر است. بر این اساس از الگوی لوجیت برای بررسی تأثیر عضویت بر فقر سهام‌داران تعاونی روستایی استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ به تفصیل آورده شده است.

جدول ۵: عوامل مؤثر بر کاهش فقر با استفاده از مدل لوجیت

متغیر	ضریب	خطای معیار	آماره t	اثر نهایی
C	عرض از مبدا	۲/۷۰۱ ^{ns}	۱/۸۶	۱/۴۴
X ₁	تحصیلات (سال)	-۰/۱۴۱ ^{ns}	۰/۲۳۶	-۰/۵۹۸ -۰/۰۱۶
X ₂	سن (سال)	۰/۰۳۲ ^{ns}	۰/۰۳۴	۰/۹۵۰ ۰/۰۰۳
X ₃	استفاده از خدمات ترویجی	۴/۷۴***	۱/۳۵	۳/۵۱ ۰/۵۴۹
X ₄	سابقه عضویت در تعاونی	-۰/۲۳۷ ^{ns}	۰/۳۰۷	-۰/۷۷۲ -۰/۰۲۷
X ₅	تعداد اعضاء خانوار	-۰/۰۰۴۸ ^{ns}	۰/۱۳۳	-۰/۰۰۰۵ -۰/۰۳۶
X ₆	عضویت در تعاونی زنان	۱/۶۹۶**	۰/۹۰۶	۱۰/۸۷ ۰/۱۹۷
ضریب اثر نهایی: ۰/۱۱۶		سودمندی برازش: ۰/۸۶		

***، **، * به ترتیب معناداری در سطح ۱، ۵، ۱۰ و درصد

ns: فقدان معناداری

نتایج ارائه شده در جدول ۵ حاکی از آن است ضریب تحصیلات منفی است و از لحاظ آماری معنادار نیست، اما علامت ضریب سن مطابق انتظار و مثبت به دست آمده و حاکی از آن است که با افزایش سن احتمال کاهش فقر افزایش می یابد. اما ضریب سن نیز از نظر آماری معنادار نمی باشد. ضریب خدمات ترویجی نیز مثبت بوده و نشان دهنده ارتباط مثبت بین خدمات ترویجی و کاهش فقر سهام داران است. بدین مفهوم که شرکت در کلاس های ترویجی به کاهش فقر منجر شده است. همچنین ضریب استفاده از خدمات ترویجی از نظر آماری معنادار است.

علامت ضریب سابقه عضویت در تعاونی منفی بوده، اما از لحاظ آماری معناداری نیست. ضریب تعداد اعضاء خانوار منفی است، بدین مفهوم که افزایش تعداد اعضاء خانوار به افزایش فقر منجر می شود، اما این ضریب از نظر آماری معنادار نیست. اما ضریب به دست آمده برای عضویت در تعاونی زنان مثبت است، بدین مفهوم که با عضویت در تعاونی میزان فقر کاهش

یافته است. همچنین این ضریب از نظر آماری معنادار است.

با توجه به اینکه ضریب اثر نهایی مدل برابر با ۰/۱۱۶ است، با ضرب کردن این مقدار در ضرایب به دست آمده می توان اثر نهایی متغیرهای مدل و به عبارت دیگر احتمال کشش پذیری را تعیین کرد. بر این اساس اثر نهایی متغیرهای فوق محاسبه شد که نتایج آن در ستون آخر جدول ۵ آورده شده است.

اطلاعات ارائه شده نشان دهنده آن است که با افزایش یک درصدی در استفاده از خدمات ترویجی، احتمال بهبود وضعیت معیشتی نیز ۰/۵۴۹ درصد افزایش می یابد. همچنین با عضویت در تعاونی، احتمال بهبود وضعیت خانوارها نیز ۰/۱۹۷ درصد افزایش می یابد. بر این اساس عضویت در تعاونی زنان تأثیر مثبت و معناداری بر کاهش فقر خانوارها دارد. در جدول ۶ و ۷ ماتریس همبستگی پارامترهای مدل برای افزایش اشتغال و کاهش فقر آورده شده است.

بحث و نتیجه گیری

در این مطالعه آزمون نیکوئی برازش مدل لاجیت نشان داد که تفاوت معناداری بین مقادیر مشاهده شده و پیش بینی شده توسط مدل وجود نداشته و مدل معتبر است. همچنین مشخص شد که مدل ما بخش عمده ای از تأثیرات ممکن را توجیه می کند و بخش کوچکی از تغییرات متغیر وابسته مربوط به سایر متغیرها و روابط است. به طور کلی بر اساس اطلاعات موجود باید اذعان کرد که عامل عضویت در تعاونی در کنار عوامل دیگر بخش عمده ای از تغییرات اشتغال و فقر را در جهت افزایش اشتغال و کاهش فقر به خود اختصاص می دهند. همچنین تقریباً درباره همه سؤالات کلیه شرکت کنندگان در هر سه شهرستان در گروه عضو در تعاونی ها پاسخ های یکسانی را انتخاب کرده بودند، به طوری که بین پاسخ های آن ها در هیچیک از موارد تفاوت آماری معناداری مشاهده نشد، اما بین پاسخ های دو گروه عضو و غیر عضو تفاوت معناداری مشاهده شد ($P < 0,001$). معنادار نبودن آماری اختلافات در این مورد احتمالاً بیان کننده اصالت پاسخ ها هستند. به عبارتی اگر پراکندگی بین پاسخ ها و امتیازات افراد به سؤالات بالا بود و این پراکندگی به لحاظ آماری معنادار بود، به نظر چندان نمی شد به پاسخ های درستی برای سؤالات مختلف رسید و اتفاق نظر نمونه ها بر روی پاسخ هایی یکسان و امتیازاتی مشابه راهنمای مناسب تری برای درک حقیقت واقعی مطلب است.

همان‌طور که در بخش تحلیل‌های مربوط به مدل لاجیت مشاهده می‌شود برآیند سطح تحصیلات به‌همراه سابقه اشتغال، سطح مشارکت و عضویت در تعاونی اثرات بسیار مهمی بر افزایش اشتغال و برآیند تحصیلات، عضویت در تعاونی، درآمد و سن، اثرات بسیار مهمی بر کاهش فقر دارد. به نظر می‌رسد افزایش سطح مشارکت در فعالیت‌های شرکت‌های تعاونی روستایی که به نوعی بیان‌کننده عضویت در این تعاونی‌هاست، باعث برقراری نوعی اشتغال پایدار و طبیعتاً افزایش درآمد خانوارها و کاهش فقر در سطح خانواده و جامعه می‌شود که از ملزومات رفاه اجتماعی به شمار می‌روند. همچنین در این تحلیل‌ها مشخص است که با افزایش سطح سواد حجم اثر عضویت در تعاونی بر میزان اشتغال و کاهش فقر افزایش می‌یابد. شاید یکی از توجیحات مهم این امر این باشد که سطح بالاتر سواد امکان اشتغال را برای اعضاء بالا برده که این امر به نوبه خود میزان مشارکت افراد را بالا برده که مستقیماً به عضویت در تعاونی‌ها منجر خواهد شد. در این تحلیل هر چه از سطح تحصیلات پایین‌تر به بالاتر می‌رویم دامنه اطمینان پذیرش آماره Z وسیع‌تر می‌شود. (سطح تحصیلات $1 =$ فاصله $0/28$ ، سطح $2 =$ فاصله $0/83$ ، سطح $3 =$ فاصله $2/74$). درباره ترکیب سواد با سابقه اشتغال نیز همین امر صادق است. لذا اثرات سواد و سابقه اشتغال در رقم زدن میزان عضویت در تعاونی که اشتغال‌زایی و کاهش فقر را به دنبال دارد، احتمالاً حالتی برهمکنشی و هم‌افزایی دارد که به نظر حجم اثرات یکدیگر را مضاعف کرده و نیاز به بررسی بیشتر داشته باشد. این موضوع در اثرات موجود بین ردیف‌ها در ماتریکس همبستگی نیز به چشم می‌خورد. تقریباً بین همه ردیف‌ها همبستگی مستقیم و مثبت وجود دارد. در مجموع مدل لاجیت عوامل سواد و سابقه اشتغال و عضویت در تعاونی را از عوامل مهم افزایش اشتغال و کاهش فقر در اعضای خانواده اعضای شرکت تعاونی‌ها معرفی کرده است.

در آزمون‌های انجام شده اثرات عضویت در تعاونی بر میزان اشتغال، کاهش فقر و افزایش درآمد خانوارها تا اندازه‌ای مشخص شد. از جمله مهم‌ترین نتایج این آزمون‌ها عبارت بودند از: اثر معنادار عضویت در تعاونی بر شاغل شدن اعضای خانواده به واسطه تسهیلات دریافت شده از تعاونی پس از عضویت در تعاونی و میزان ایجاد اشتغال در میان اعضاء، ارتباط معنادار شاغل شدن اعضای خانواده به واسطه دریافت تسهیلات با دریافت وام، ارتباط معنادار میزان ایجاد اشتغال در بین اعضاء با دریافت وام، ارتباط معنادار میزان ایجاد اشتغال در بین اعضاء با

میزان سرمایه شرکت تعاونی، اثر معنادار عضویت در تعاونی بر میزان کاهش فقر در خانواده و افزایش درآمد خانوار، ارتباط معنادار دریافت وام از شرکت تعاونی با کاهش فقر در خانواده، خرید محصولات تولیدی اعضا توسط شرکت تعاونی با کاهش فقر در خانواده، میزان سرمایه شرکت تعاونی با کاهش فقر در خانواده، دریافت وام از شرکت تعاونی با افزایش درآمد خانوار، خرید محصولات تولیدی اعضا توسط شرکت تعاونی با افزایش درآمد خانوار، میزان سرمایه شرکت تعاونی با افزایش درآمد خانوار و ارتباط میزان سرمایه شرکت تعاونی با افزایش درآمد خانوار همگی پس از عضویت در شرکت تعاونی.

در مطالعه‌ای که ساریخانی و طه در سال ۱۳۸۲ بر روی میزان مشارکت زنان در شرکت‌های تعاونی روستایی و شناخت عوامل مؤثر بر آن در استان کرمانشاه انجام دادند، به این نتایج رسیدند که دریافت وام، خرید از فروشگاه و دریافت کارت نفت از جمله مهم‌ترین دلایل عضویت زنان در شرکت‌های تعاونی بوده است. در این بین نیمی از زنان را زنانی تشکیل می‌دادند که بعد از فوت همسران خود به عضویت شرکت تعاونی درآمده بودند. متوسط مدت عضویت زنان مورد بررسی ۱۴/۵ سال و اغلب زنان به سرمایه‌گذاری، شرط اولیه عضویت اقدام کرده بودند و فقط ۵/۶ درصد از آن‌ها به خرید مجدد سهام اقدام کرده بودند. در این مطالعه اکثر زنان عضو را میانسالان و سپس بزرگسالان تشکیل می‌دادند در صورتی که اکثر زنان غیرعضو را میانسالان و سپس جوانان تشکیل می‌دادند. میانگین سنی زنان عضو ۵۰/۸ سال بود. از کل زنان عضو حدود یک سوم باسواد و مابقی بی سواد بودند و سطح تحصیلات در اغلب زنان عضو ابتدایی بود. کم‌تر از نیمی از زنان عضو را زنان سرپرست خانوار تشکیل می‌دادند. میزان مالکیت زنان عضو نسبت به عوامل تولید بیش از زنان غیرعضو بود. ۲۲/۲ درصد از اعضاء نهاده‌های خود را در قالب فروش محصولات خود به شرکت‌های تعاونی دریافت می‌کردند. در این مطالعه همچنین سن و سواد از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر موفقیت زنان در بهره‌وری شرکت‌های تعاونی برشمرده شده‌اند. به‌طور کلی همان‌طور که در این مطالعه نیز ذکر شده می‌توان تأثیر ویژگی‌های فردی بر میزان مشارکت زنان عضو و در نتیجه موفقیت شرکت‌ها را این‌طور بیان کرد که اغلب زنانی که سرپرست خانوار هستند ریاست خانواده و در نتیجه مالکیت عوامل تولید را بر عهده دارند که این امر موجب افزایش درآمد مستقل آن‌ها می‌شود و افزایش درآمد مستقل نیز موجب اثرگذاری مثبت بر میزان مشارکت زنان در

تعاونی‌ها است. اکثر نتایج این مطالعه در تأیید نتایج مثبت مطالعه حاضر درباره اثرات عضویت در تعاونی بر بالا رفتن اشتغال، کاهش فقر و افزایش درآمد خانوار است. البته برخی از مؤلفه‌هایی که در مطالعه ساریخانی و طه بررسی شده در مطالعه ما بررسی نشده که این از محدودیت‌های مطالعه ماست، اما به هر حال این امر چیزی از رابطه مذکور کم نمی‌کند (ساریخانی و طه، ۱۳۸۲).

به نظر می‌رسد بسیاری از ارتباطاتی که در این مطالعه یافت شده تا اندازه زیادی بر اساس وضعیت موجود توجیه‌پذیر باشند. مثلاً به نظر می‌رسد دریافت تسهیلات از طرف شرکت تعاونی خود محرکی برای افزایش راندمان تولید محصولات و بالا رفتن اشتغال در میان اعضا و اعضای خانواده اعضا که تحت چتر حمایت سرپرستان خانوار خود هستند و در نتیجه کاهش فقر و افزایش درآمد خانوار شده که این امر به نوبه خود هم میزان مشارکت اعضا و هم موفقیت شرکت تعاونی را بالا می‌برد. براینده همه این عوامل موجب اشتغال‌زایی و در نتیجه رفع فقر و افزایش درآمد خانوار بین اعضا خواهد شد. البته، از نگاهی دیگر نیز می‌توان این روند را یک کارآفرینی ضمنی دانست. چرا که عضویت زنان در شرکت‌های تعاونی علاوه بر اینکه خود نوعی اشتغال‌زایی برای اعضاست از طرفی موجب ایجاد اشتغال و کارآفرینی برای سایر اعضای خانواده آن‌ها نیز می‌شود. بنابراین، این دور تسلسل می‌تواند مدام در حال چرخش باشد.

در مطالعه‌ای با عنوان تحلیلی بر عضویت زنان در شرکت‌های تعاونی و وضعیت تعاونی‌های زنان در ایران که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نمایه شده، آمده است که به طور متوسط در برابر هر ۹ نفر مرد یک زن در تعاونی‌ها عضویت دارد. میزان مشارکت زنان در تشکیل تعاونی‌ها از رقم ۹/۱۱ درصد در ۸ سال قبل از تشکیل وزارت تعاون به ۱۴/۲۳ درصد در بعد از تشکیل این وزارتخانه رسیده است. در طی سال‌های قبل، مشارکت زنان در تشکیل تعاونی‌ها در سال ۷۲ دارای کم‌ترین میزان و در سال ۷۶ بیشترین میزان در طی سنوات فعالیت وزارت تعاون است. شرکت‌های تعاونی فرش دستباف بیشترین میزان جذب و شرکت‌های تعاونی حمل و نقل کم‌ترین میزان جذب اعضا زن را تاکنون دارا بوده است. اگر بر اساس این آمار و ارقام از عضویت زنان در شرکت‌های تعاونی بتوان چنین تصور کرد که در طی سالیان بعد از سال ۲۰۰۰ و به خصوص چند سال اخیر که چتر حمایت دولت از تشکیل و

توسعه شرکت‌های تعاونی زنان گسترده‌تر شده، روند شکل‌گیری این نهادهای خودجوش بیشتر شده، به راحتی می‌توان اهمیت بررسی زوایای مختلف کارایی و اثربخشی این تعاونی‌ها در حل معضل اشتغال و فقر، مشکلات اخیر جامعه ما، را روشن کرد (دفتر آمار و اطلاعات وزارت تعاون، ۱۳۸۹).

در این مطالعه سعی شده متغیرهایی که به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم یا با واسطه بر میزان عضویت در شرکت‌های تعاونی تأثیر می‌گذارند شناسایی شوند. همچنین اثرات عضویت در تعاونی بر پیامدهای آن مشخص شد. یکی از این ارتباطات مثبت و پیامدها، شاغل شدن اعضای خانواده به واسطه تسهیلات دریافت شده از تعاونی پس از عضویت در تعاونی و بالا رفتن میزان ایجاد اشتغال در میان اعضا بوده است. به نظر می‌رسد حمایت شرکت‌های تعاونی از اعضا در قالب پرداخت تسهیلات مختلف نقش بسیار مهمی در این امر داشته باشد. به هر حال مؤلفه اقتصادی و مالی اثری اجتناب‌ناپذیر بر موفقیت عملکردهای کاری و شغلی افراد دارد و این اثر واضح و روشن است. به عبارتی اعضای شرکت‌های تعاونی علاوه بر دریافت تسهیلات با اتکال به حقوق و مزایایی که از محل شرکت عائد آن‌ها می‌شوند می‌توانند مکمل ایجاد اشتغال سایر افراد خانوار خود در قالب ارائه بسته‌های حمایتی باشند. از آنجایی که برخی از اعضا سرپرست خانوار بوده‌اند و به این دلیل که معمولاً زنان سرپرست بیش از سایر زنان در اداره امور داخلی خانوار مشارکت می‌کنند، می‌توان توجیه کرد که عضویت زنان سرپرست خانوار در این شرکت‌ها و ایفای نقش در آن‌ها اثر مهمی بر برخی معضلات اجتماعی متعاقب بیکاری و فقر در این خانوارها دارد. کما اینکه این موضوع در این مطالعه نیز به اثبات رسیده و ساریخانی و طه نیز در مطالعه خود به آن اذعان داشتند (ساریخانی و طه، ۱۳۸۲). به نظر می‌رسد نقش میزان سرمایه شرکت با توجه به اعطای وام و تسهیلات به اعضا که پیش‌تر توجیه شد در ایجاد اشتغال و افزایش درآمد اعضا و خانوارها واضح باشد. مکانیسم اثر سرمایه شرکت بر ایجاد اشتغال و کاهش فقر کمابیش شبیه به توجیه قبلی است.

وجود روابط بین متغیرهای نامبرده و موفقیت شرکت‌ها در ایجاد اشتغال و کاهش فقر چندین سؤال مهم برای محقق به وجود می‌آورد؛ اولاً اینکه آیا این روابط واقعی است یا کاذب؟ ثانیاً اگر این روابط کاذب است چه عواملی به صورت واسطه‌ای در این معادله نقش دارند؟ برای اثبات این امر، نتایج آزمون همبستگی تفکیکی نشان داد که تأثیر بسیاری از عوامل

مستقل بر این مؤفقیت به دلیل نقش میانجی‌گری متغیر تأهل و عضویت در تعاونی بوده است. به طوری که با حذف این متغیرها از معادلات همبستگی میزان ضریب همبستگی به‌طور معناداری کاهش یافتند. لذا بایستی به تأثیرات شبکه‌ای متغیرهای وابسته و مستقل در این‌گونه مطالعات و نقش میانجی‌گرانه برخی عوامل مستقل خارجی همچون تأهل تأکید کرد. متأسفانه بر اساس جستجوهای گسترده در منابع الکترونیکی و کتابخانه‌ای مطالعات زیادی مرتبط و شبیه به مطالعه ما یافت نشد که بتوان یافته‌های آن‌ها را با این مطالعه مقایسه کرد و به توجیحات علمی اضافه‌تری دست یافت.

بحث و نتیجه‌گیری

از آنجا که بنا به نص صریح قانون اساسی یکی از اهداف جمهوری اسلامی، مشارکت همگانی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش است، می‌توان تشکیل تعاونی‌های زنان به ابتکار وزارت تعاون را در جهت ایجاد زمینه‌های مشارکت برای این قشر جامعه، مثبت ارزیابی کرد. تعاونی‌ها به موجب بهره‌گیری از مدیریت مشارکتی و حضور عامه، کانون‌های اقتصادی مردمی هستند و بانوان قشر عظیمی از افراد جامعه ما را تشکیل می‌دهند؛ لذا لزوم بهره‌مندی از توانمندی‌های این نیروی کار بالقوه و کارآمد بیش از پیش بر همگان مشخص می‌شود. بی‌شک ایجاد تعاونی‌های خاص زنان مشارکت‌پویای آن‌ها را در رشد اقتصادی کشور تضمین کرده و متضمن ایجاد راهی است به سوی استقلال فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بانوان کشور. زنان با حضور در تعاونی‌هایی که حداقل ۷۰ درصد اعضای آن را خانم‌ها تشکیل می‌دهند، ضمن بهره‌مندی از مزایای اقتصادی می‌توانند در زمینه‌های تصمیم‌گیری، مدیریت، نظارت و اجرای برنامه‌ها به کسب تجربه اقدام کنند و عرصه فعالیت‌های اجتماعی را برای نیمی از جامعه فراهم آورند (میوه جی، ۱۳۸۵).

با توجه به اهمیت نقش زنان در توسعه و فرایندهای تولیدی از یک طرف و نتایج به‌دست آمده در این مطالعه در راستای کاهش فقر و افزایش اشتغال در اعضای خانوار زنان عضو شرکت تعاونی‌های روستایی، لزوم عضویت بیشتر زنان به‌ویژه زنان سرپرست خانوار و همچنین ایجاد تشکلهای صنفی و تولیدی در بین آن‌ها و مشارکت آن‌ها به‌خوبی احساس می‌شود، اما متأسفانه به نظر می‌رسد در حال حاضر این مشارکت به علل مختلفی از جمله

وجود موانع فرهنگی، اقتصادی- اجتماعی و بیولوژیکی در جامعه کم رنگ بوده است. عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در شرکت‌های تعاونی را می‌توان متأثر از ویژگی‌های فردی اعضا، سطح آگاهی آن‌ها نسبت به شرکت‌های تعاونی و فرهنگ حاکم در جامعه دانست که می‌توانند سه ضلع مثلث فرهنگ ترویج عضویت زنان روستایی به‌خصوص زنان سرپرست خانوار را تشکیل دهند.

می‌توان به‌عنوان چند پیشنهاد اصلی مبتنی بر یافته‌ها و شواهد اعلام کرد که به‌منظور دستیابی به شرکت‌های تعاونی پویا و کارآمد باید حتماً از افراد تحصیل کرده و متخصص در امر تعاونی‌ها و در ارکان اصلی شرکت‌ها استفاده کرد. همچنین با ایجاد دوره‌های آموزشی از سوی شرکت‌های تعاونی در زمینه صنایع دستی، تبدیلی و تکمیلی می‌توان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم موجب افزایش مشارکت زنان در شرکت‌های تعاونی و اقتصاد خانوار شد. با دسترسی بیشتر زنان عضو به اعتبارات، می‌توان میزان مشارکت آن‌ها را ارتقاء داد. همچنین نظارت بر نحوه عملکرد و بررسی مسائل و مشکلات تعاونی‌ها و اقدام برای رفع مشکلات آن‌ها و برگزاری یا مشارکت در برگزاری همایش‌های عملکردی یا ترویجی تعاونی‌های زنان از طریق واحدهای ذریبط، برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای آموزش مدیریت و بازاریابی، لزوم ایجاد تشکل‌های صنفی و تولیدی، تشکیل تعاونی‌های جدید با اولویت زنان و دختران فارغ‌التحصیل جویای کار، اتخاذ روش‌های نوین برای آموزش مداوم بانوان، در اختیار گذاشتن تسهیلات بانکی به تعاونی‌ها، اشاعه فرهنگ مشارکت و آشنایی با عملکرد تعاونی‌ها و فواید آن‌ها برای جامعه، انجام دادن آموزش‌های لازم در رشته‌های مختلف و معرفی تعاونی‌های موفق متشکل از بانوان از طریق وسایل ارتباط جمعی از دیگر پیشنهادهایی است که می‌تواند راهگشای فعالیت بیشتر زنان در شرکت‌های تعاونی روستایی و اثربخشی آن‌ها در شرکت‌های تعاونی روستایی باشند.

منابع

- امینی، امیر مظفر و رمضانی، مسعود (۱۳۷۹). اشتغال زنان روستایی، در آمد و اثر آن در خود اتکایی آن‌ها. همایش اعتبارات خرد در زنان روستایی. ۲۹ و ۳۰ آبان، دانشگاه الزهراء (س)، تهران.
- امینی زاده، محمدرضا (۱۳۸۴). جایگاه اخص و ممتاز زن، تهران: امیرکبیر.
- الوانی، مهدی و ضرغامی فرد، مژگان (۱۳۸۰). نقش زنان در توسعه. مجله تدبیر. شماره ۱۱۳.
- میکائیلی، مهرانگیز (۱۳۹۰). توسعه آموزش از طریق تعاونی‌های زنان. <http://www.icccoop.ir/Upload/Modules/Contents/asset0/mikaeeli.pdf>
- خالدی، کوهسار، یزدانی، سعید و حقیقت نژاد شیرازی، اندیشه (۱۳۸۷). مطالعه فقر روستایی ایران و تعیین عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر سرمایه گذاری بخش کشاورزی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران. سال ۱۰، شماره ۳۵، صفحات ۲۲۸-۲۰۵.
- خداد کاشی، فرهاد، باقری، فریده، حیدری، خلیل و خداداد کاشی، امید (۱۳۸۱). اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران: کاربرد انواع خط فقر، شکاف فقر، شاخص فقر ۱۳۷۹-۱۳۶۳. گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی، پائیز، ص ۶۷.
- خزایی علی (۱۳۷۸). صندوق مشارکت زنان روستایی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان.
- دفتر آمار و اطلاعات وزارت تعاون، (۱۳۸۹). تحلیلی بر عضویت زنان در شرکت‌های تعاونی و وضعیت تعاونی‌های زنان در ایران. مجله تعاون. شماره ۱۱۳، صفحات ۱۳-۹.
- مهران‌فر، صفر، ۱۳۷۸، بررسی مشکلات تعاونی‌های خوداشتغالی بانوان، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۳.
- رستمی فرحناز (۱۳۸۸). زنان روستایی و صندوق اعتبارات خرد، زن و توسعه، ۱۳۸۸، صفحه ۴۸.
- ساریخانی، ناهید و طه، مهدیه، (۱۳۸۲). میزان مشارکت زنان در شرکت‌های تعاونی روستایی و عوامل مؤثر بر آن (استان کرمانشاه). مجله تعاون. شماره ۱۴۳، صفحات ۵۴-۴۷.
- شوشتریان، آشان (۱۳۸۶). بررسی تعیین‌کننده‌های نهادی فقر روستایی با تأکید بر تعاونی‌های

- روستایی زنان در استان فارس. *فصلنامه اقتصاد کشاورزی*. ۱(۳). ۲۷۰-۲۵۱.
- صادقی، مسعود و عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۳). تحلیلی بر عوامل اقتصادی مؤثر در اشتغال زنان ایران. *مجله پژوهش زنان*. دوره ۲، شماره ۱، ۲۲-۵.
- طاهر خانی، مهدی و قرنی، بهروز، (۱۳۸۰). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش روستائیان به تشکیل تعاونی‌های روستایی. تهران.
- عباسی، حسین (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر در گرایش افراد به ایجاد تشکل‌های تعاونی در استان کهگیویه و بویراحمد. سایت اداره تعاون استان کهگیویه و بویر احمد.
- علیزاده، مرجان (۱۳۸۹). نقش اشتغال زنان در توسعه، *فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ*، سال دوم، شماره پنجم، صفحات ۴۹-۴۵.
- کارشناس، مجید (۱۳۷۶). مطالعه اشتغال زنان از دیدگاه جامعه‌شناسی کار و اشتغال (با تأکید بر اشتغال زنان در ایران). *نشریه علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*. شماره ۹، صفحات ۱۴۶-۱۲۸.
- میوه‌چی، مریم (۱۳۸۵). نقش تعاونی‌های زنان در توسعه و اشتغال، ۱۳۸۵. <http://www.iccoop.ir/Upload/Modules/Contents/asset0/mivechi.pdf>
- نجفی، بهاء‌الدین (۱۳۸۲). بررسی راهکارهای علمی و عملی کاهش فقر و بسط عدالت اجتماعی در جامعه از طریق توسعه تشکل‌های تعاونی در نقاط شهری و روستایی. سایت وزارت تعاون. گزارش تحقیقاتی.
- نجفی، بهاء‌الدین و شوشتریان، آشان (۱۳۸۳). بر آورد خط فقر: اندازه فقر و بررسی تعیین مزایای آن در فاکتورهای روستایی و شهری ایران. *مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه*. دوره ۱۴ و ۱۵، ۳۴-۱.
- وحیدی، حسین (۱۳۸۱). *تاریخ عقاید اقتصادی از آغاز تا پایان سوسیالیسم*. جلد اول، چاپ دوم، تهران، سنایی.
- Fogelstrom K, (2004). Perquisites for cooperative success: criteria for genuine cooperative societies Asia Rural.
- Grootaert C,(1997). The determine ants of poverty i Cote d, I voire in the 1980s. *Journal of African Economies*. 6:169-96.
- Madzingira N, (1997). Poverty and aging in Zimbabwe. *Journal of social development in Africa*. 12;2: 5-19.
- Maddala, G.S. (1991). *Limited dependent and qualitative variable in econometric*, Cambridge University Press, Cambridge, New York.

- Pesaran, M.H & Pesaran, B., (1997). *Working with Microfit 4.0: An interactive econometric software package* (DOS and Windows versions). Oxford University Press, Oxford.
- Pesaran, M.H., & Shin, Y., (1996). Cointegration and speed of convergence to equilibrium. *Journal of Econometrics*, 71, 117-143.
- Thorat s, (2009). Regional dimensions of rural credit in India. *Geographical journal*. 66:89-97.
- VASISHT A.K., (2010). LOGIT ANALYSIS, Indian Agricultural Statistics Research Institute. Available at: <http://www.iasri.res.in/>.

نویسندگان

raeesi.roghayieh@yahoo.com

رقیه رئیسی

کارشناس ارشد رشته اقتصاد کشاورزی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

jaemiau@gmail.com

بهاء الدین نجفی

استاد تمام رشته اقتصاد کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دارای دکترای رشته اقتصاد کشاورزی از انگلستان سال ۱۳۵۵ است. وی هم اکنون عضویت هیئت علمی بخش اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز با درجه استادی است که با دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت نیز همکاری دارند. ایشان دارای ۴ تألیف به زبان فارسی و بیش از ۲۵ مقاله در زمینه اقتصاد کشاورزی و سیاست و توسعه کشاورزی است.

bpegman@yahoo.com

پژمان باقری

مربی عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی جیرفت، فارغ التحصیل سال ۱۳۹۱، دارای ۲۶ مقاله فارسی منتشر شده در مجلات علوم پزشکی داخلی و بین‌المللی و ۳ مقاله با ایندکس نوع اول در مجلات بین‌المللی.